

## ورود، تحول، ترویج و انتشار زبان و ادبیات فارسی در کشمیر

☆ - دکتر محمد صابر

☆☆ - دکتر مشتاق احمد

### Abstract:

Persian language has deep roots in all over sub.continent, and Kashmir is no exception. This article deals with emergence, evolution, propogation and patronization of Persian language and literature in the land of Kashmir. The writer has gone in depth to unveil some very interesting facts and rendered some valuable historical figures. Moreover the impact of Persian language on culture and civilization of Kashmir has also been truly highlighted in detail:

**Key words:** Persian language, Sub.continent, Impact, Cultur, Civilization, literature, History.

روابط سیاسی، فرهنگی و بازرگانی در میان مردم کشمیر و ایران قبل از اسلام وجود داشت. البته زبان فارسی در این منطقه، بعد از ترویج و انتشار اسلام رواج یافت. حضرت سید مشرف الدین عبدالرحمن معروف به بلبل شاه، نخستین مبلغ اسلام از آسیای میانه به کشمیر آمد و کارهای بزرگی در انتشار اسلام انجام داد. در ابتدای ترویج اسلام در کشمیر، نذیر احمد تشنه در اثر تاریخی خود به نام "تاریخ کشمیر (۱۳۲۴ الی ۲۰۰۵م)" می نگارد.

"در سال ۷۲۵ ق / ۱۳۲۵ م عبدالرحمن بلبل شاه به سری نگر آمد.

او در کشمیر دین اسلام را اساس نهاد و از همان زمان، کشمیریان تحت نفوذ زبان عربی و فارسی درآمدند. زبان فارسی در اوایل قرن هشتم هجری قمری در کشمیر رایج شد." (تشنه؛ ۲۰۰۶م: ۲۸۵)

☆ استاد یار، گروه فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

☆☆ استاد یار، گروه فارسی، دانشکده دولتی، بهلول

رتیجن شاه که بعد از درگذشت آخرین راجای هنود به نام سهه دیو، در سال ۷۲۵ق به حکمرانی کشمیر رسید و در سال ۷۲۷ق/۱۳۲۷م به دست بلبل شاه مشرف به اسلام شد و به لقب سلطان صدر الدین معروف بود. وی نخستین مسلمان پادشاه کشمیر بوده. مولوی حسن شاه، در "تواریخ کشمیر" می نویسد:

"رتیجن شاه بامدادان جناب سید مشرف الدین ملقب به بلبل شاه را دید که بر ساحل آن روی دریای بهت (جهلم) نماز می خواند، نماز و نیاز او را پسندیده با اهل و عیال خود به مذهب او گروید و طوق اسلام به گردن انداخته، خود را به صدر الدین ملقب ساخت." (حسن؛ ۱۹۹۲: ۳)

اسلام در کشمیر کما بیش همزمان با دوره سلاطین دهلی (حک: ۶۰۲ الی ۹۳۲ق) آغاز شد. با ترویج اسلام روابط فرهنگی، تمدنی، علمی و ادبی مردم کشمیر و ایران به جانب علو میل کرد. بدون تردید، دین اسلام در کشمیر توسط مبلغان، صوفیا و بزرگان دین اسلام وارد شد.

مبلغان مذکور، مردم بومی منطقه کشمیر را به زبان فارسی آموزش داشتند. بدین ترتیب درس و تدریس زبان فارسی را آغاز گردید و کتابهای دینی و درسی به زبان مزبور نوشته شد. بیشتر بزرگان دین اسلام از استانها و ایالتهای آسیای میانه به کشمیر آمدند. سلطان شمس الدین شاهمیر در سال ۷۴۳ق/۱۳۴۳م به حکومت کشمیر رسید و اساس خانواده شاهمیری در کشمیر نهاد. در زمان سلاطین شاهمیری (حک: ۷۴۳ الی ۹۶۲ق):

"سید حسین سمنانی در سال ۷۷۳ق از راه پیر پنجال به کشمیر رسید." (اعظم؛ ۱۹۹۲: ۲۱) و سید مذکور در ترویج اسلام و توسعه زبان و ادبیات فارسی کوشید.

در عهد حکومت سلطان شهاب الدین (حک: ۷۶۰-۷۸۰ق) پسر شاهمیر، سید علی همدانی (د. ۷۸۶ق) معروف به امیر کبیر همراه با هفتصد سید به کشمیر تشریف آورد و در ترویج زبان و ادبیات فارسی کارهای بزرگی و مهمی انجام داد. عده آثار وی به صد و هفتاد می رسد.

رساله های سید علی همدانی که در کتابخانه موزه بریتانیایی برجای مانده، بدین قرار است:

رساله نوریه، رساله مکتوبات، همدانیه، رساله فتوحیه و ذخیره الملوك و غیره. سلطان زین العابدین در سال ۸۲۷ق/۱۴۲۴م بر سریر سلطنت کشمیر اجلاس یافت. از سلاطین شاهمیری، سلطان زین العابدین (حک: ۸۲۷-۸۷۸ق)

معروف به بدشاه، کارهای بزرگی و مهمی در ترویج زبان و ادبیات فارسی انجام داد. وی سرپرست و مربی زبان و ادبیات فارسی بود. زمان وی دوره زرین به شمار می رود. به امر پادشاه مذکور بسیاری از کتابهای سانسکریت به فارسی ترجمه شد، مانند: وقایع کشمیر (ترجمه راج ترنگینی) مترجم ملا احمد کشمیری. متأسفانه این اثر مهم به ندر دستبرد روزگار شد. احمد کشمیری در عهد زین العابدین (حک: ۸۲۷-۸۷۸ق) یکی از معروفترین شاعران کشمیر هم به شمار می رفت:

”روزی سلطان به ظرافت بدیهه فرمود:

گر ندیدیستی تو در آفاق انسان شاخ دار  
شاخ پیشانی ملا احمد کشمیر بین!  
ملا احمد بدیهه جواب گفت:

شاخ پیشانی خدیو گرگ واری داشتم  
تانیایم در میان ماده گاوان در شمار

سلطان به او انعام بخشید.“ (حسن؛ ۱۹۹۲: ۵۱)

در تحقیق علوم هر ملت و انتشار آن به خوبی پرداخت و پیشروان هر فن را از ولایت های دور طلبیده در کشمیر آباد کرد و هر کس را جاگیر و منصب بخشید، صحاف، کاغذ گر، و قلم دان ساز را از سمرقند آورد و در منطقه کشمیر آباد ساخت. در زمان بعدی، حضرت سید محمد فرزند سید علی همدان بیست و دو سال در این بلاد اقامت فرمود. سید محمد همدانی هم از مؤلفان معروف آن دوره به شمار می رود. دو اثر مهم وی بدین قرار است:

۱- رساله در تصوف ۲- رساله در شرح شمسیه (منطق)

از رفقای وی سید احمد سامانی، سید محمد خاوری و سید محمد سیفی هم در ترویج و توسعه زبان فارسی کارهای شایسته ای انجام دادند.

در سال ۹۴۸ق / ۱۵۴۱م میرزا حیدر دوغلات (۹۴۸-۹۵۷ق) روی کار آمد. فرمانروای مذکور عالم، فاضل و مربی زبان و ادبیات فارسی بود. ده سال بر کشمیر باجاه و حشمت حکومت کرد. سرنوشت او در کتاب مهمی به عنوان ”تاریخ رشیدی“ آمده است و این اثر در عصر حاضر بار دوم به چاپ رسیده است.

سپس سلاطین چک (حک: ۹۶۲-۹۹۴ق / ۱۵۵۵-۱۵۸۶م) به حکومت کشمیر رسیدند. حسین شاه چک (حک: ۹۷۲-۹۷۸ق) و یوسف چک (حک: ۹۸۹-۹۹۴ق) به زبان فارسی شعر می سرودند و سرپرستی شاعران هم می کردند.

شیخ یعقوب صرفی (د. ۱۰۰۳ق)، محمد امین مستغنی، مولانا میر علی (ز. ۹۷۸ق)، مولانا نامی و غیره از شاعران و سخنوران معروف فارسی زبان عهد چکان به

شمار می روند. مولانا میر علی کشمیری در زمان حسین چک (حک: ۹۷۲-۹۷۸ق) در این ملک آمد و کسب آب و هوا نمود و اشعار برجسته در تعریف کشمیر بیان کرد:

”گل به دستم چه نهی در کف من خار خوش است  
این گل تازه بر آن گوشه دستار خوش است“

(مسکین؛ ۱۳۲۲ق: ۳۴۱)

آثار معروف یعقوب صرفی (د. ۱۰۰۳ق) عبارت است از:

”وامق و عذرا“ به پیروی از خمسه نظامی، رساله در تصوف، روایح (مبنی بر مسایل تصوف و عرفان). از سال ۷۲۷ق الی ۹۹۴ق کتابهای درسی، تصوف و اخلاق و کتابهای تاریخی سانسکریت به فارسی ترجمه شد.“ (ظهور الدین؛ ۱۹۶۳م/۱۳۹۲ق)

بعد از آن در سال ۹۹۵ق/۱۵۸۷م جلال الدین محمد اکبر منطقه کشمیر را زیر تسلط آورد و زبان فارسی را زبان رسمی و دولتی این کشور قرار داد. این پادشاه بزرگ، سرپرستی نویسندگان، سخنوران و شاعران را به عهده گرفت. منصب ملک الشعرا را احیا کرد. شاهنشاهان تیموری به ادبیات فارسی بسیار میل داشتند. عرفی شیرازی (د. ۹۹۹ق) در قالب قصیده، ترجیع بند، ترکیب بند، غزل، رباعی و مثنوی شعر می سرود. وی در مدح شاهزاده سلیم قصیده ای گفت، چند بیت از اوست:

”ز لال چشمه امید پور اکبر شاه  
طراز دولت جاوید شاهزاده سلیم  
ازین پیام دلم شد شگفته و شاداب  
چنانکه باغ ز شبنم، چنانکه گل ز نسیم“

(عرفی؛ ۱۳۳۷ش: ۹۸)

عرفی شیرازی (د. ۹۹۹ق)، فیضی اکبر آبادی (د. ۱۰۰۴ق)، مظهري کشمیری (د. ۱۰۱۷ق)، اوجی کشمیری (د. ۱۰۳۲ق)، ابو الفضل علامی (د. ۱۰۱۱ق)، نظیری نیشاپوری (د. ۱۰۲۱ق)، عبدالقادر بدایونی (د. ۱۰۰۴ق)، شیخ عبدالحق دهلوی (د. ۱۰۵۲ق)، نظام الدین احمد (د. ۱۰۰۳ق) و امثال آنها، از شاعران و نویسندگان معروف دوره اکبر به شمار می روند. وقتی اکبر شاه وفات یافت، پسرش نور الدین محمد جهانگیر پادشاه شبه قاره و کشمیر شد. جهانگیر پادشاه از سال ۱۰۱۴ الی ۱۰۳۷ق/۱۶۰۵ الی ۱۶۲۸م فرمانروایی کرد. بعد از تسخیر کشمیر به دست پدرش، جهانگیر پادشاه چهل و دو سال زندگی کرد. وی در مدت مذکور، هفت بار به کشمیر آمد و برای آبادی کشمیر کارهای بسیار اساسی و ارزنده انجام داد

- باغها و چمن های دلپذیر و دلکش بنا کرد. ساختمان های زیبا در عهد مذکور تاسیس شد - به دستور ملکه نورجهان "مسجدسنگی" نیز بنا کردند. جهانگیر پادشاه برای ترویج و انتشار زبان و ادبیات فارسی، اوضاع خیلی سازگار و مساعد فراهم آورده بود. در این عهد شعر و سخن زیاد ترویج یافت.

وی دوستدار، مری و قدر دان زبان و ادبیات فارسی بود. جهانگیر سرنوشت خود به نام "تڑک جهانگیری" نوشت. ملکه نورجهان ایرانی نژاد و شاعره صاحب دیوان فارسی زبان بود. به گفته آفتاب اصغر در "تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان":  
 "می توان گفت که دوره اکبری، دوره طلوع و دوره جهانگیری، دوره ارتفاع آفتاب ادبیات فارسی تیموریان هند و پاکستان بوده است." (آفتاب اصغر؛ ۱۹۸۵: ۲۰۵)

باشعر و سخن، تاریخ نویسی، تذکره نویسی و فرهنگ نویسی هم در روزگار جهانگیر پادشاه به اوج خود رسیده بود. تذکره هفت اقلیم (تا: ۱۰۰۲ق) تألیف امین احمد رازی، مشتمل بر تذکره شعرا، علما و فضلا است. غیر از این مطالب تاریخی و جغرافیای ربع مسکون را در هفت اقلیم منقسم نموده است. مجمع الشعرا جهانگیری (تا: ۱۰۲۴ق) تألیف قاطعی، پنجاه و یک شاعر پادشاه جهانگیر را بررسی شده است. غیر از آن تذکره عرفات العاشقین (تا: ۱۰۲۴ق) تألیف تقی الدین محمد اوحدی، تذکره میخانه (تا: ۱۰۲۸ق) تألیف عبدالنسی خان و غیره. از دیگر آثار منثور دوره اکبر و جهانگیر غیر از تواریخ، اینجا داده می شود. فرهنگ مدارالافاضل تألیف فیضی؛ مجموع اللغات (تا: ۹۹۴ق) تألیف ابوالفضل؛ فرهنگ جهانگیری (تا: ۱۰۲۷ق) تألیف حسین اینجو شیرازی؛ فرهنگ چهار عنصر دانش (تا: ۱۰۳۷ق) تألیف امان الله حسینی. از کتابهای انشا، مکاتیب علامی، انشای طرب الصبیان و بسیاری دیگر. معرفی تمام آثار منثور ممکن نیست. در دوره اکبر پادشاه و جهانگیر پادشاه، شاعران در تمام قالبهای سخن، بیت ها سروده است. مانند:

مثنوی، قصیده، غزل، رباعی، ترجیع بند، ترکیب بند و قطعه و غیره.

شاعران و نویسندگان نامدار عهد جهانگیر پادشاه (حک: ۱۰۱۴-۱۰۳۷ق/

۱۶۰۵-۱۶۲۸م) عبارتست از:

نظیری نیشاپوری (د. ۱۰۲۱ق)، ظهوری ترشیزی (د. ۱۰۲۴ق)، طالب آملی

(د. ۱۰۳۶ق)، قدسی مشهدی (د. ۱۰۵۶ق)، حبیب کشمیری (د. ۱۰۲۷ق)، حیدر

ملك (۱۰۳۱ق) مؤلف تاریخ کشمیر، عبدالباقی نهانندی (د. ۱۰۴۲ق)، میر جمال

الدین حسین شیرازی مؤلف فرهنگ جهانگیری (تا: ۱۰۲۷ق) و غیره.

طالب آملی ملك الشعراى جهانگیر شاه بود چند بیت از وی اینجا نقل شده است:

”به نسبت گهرم داده بودی از کف خویش  
ترا از جود زیانی چنین هزار افتاد  
ازین نشاط مگر دست آسمان لرزید  
که باز در کف خاقان کامگار افتاد“

(شبلی؛ ۱۳۲۵ق: ۱۵۹)

بعد از جهانگیر، پسرش شاهجهان (حك: ۱۰۳۷-۱۰۶۸ق / ۱۶۲۸-۱۶۵۸م)

بر سراقتمدار آمد و وی مانند نیاکان خودش، منطقه کشمیر را خیلی دوست داشت.

در عهد حکومت خودش وی چهار بار به کشمیر رفت. شعر، ادب، علما، فضلا، حفاظ و نعت خوانان را انعام و اکرام زیادی می بخشید. شعر فارسی و ادبیات دیگر در عهد وی خوب ترویج یافت، اما کتابی مخصوص به تاریخ کشمیر میسر نیامد. فقط بخشی در ”مجالس السلاطین“ تألیف محمد شریف دکنی احوال و وقایع کشمیر را مختصر ذکر شده است. در دوره شاهجهان، با تاریخ نویسی، تذکره نویسی و انشا نویسی هم رواج یافت، مانند:

تذکره سفینه الاولیا و سکینه الاولیا از درازا شکوه (د. ۱۰۶۹ق) پسر شاهجهان. زبلة المقامات تألیف محمد هاشم؛ منشات برهمن تألیف چندر بهان برهمن لاهوری؛ انشای منیر لاهوری تألیف منیر لاهوری؛ فرهنگ برهان قاطع (تا: ۱۰۶۲ق) تألیف محمد حسین تبریزی و غیره. منشات برهمن تألیف چندر بهان برهمن.

”منشات برهمن مجموعه رقعات چندر بهان است که گاه به گاه به پادشاه شاهجهان و امرای و اعیان پادشاه نوشت. سبک نثر منشات برهمن ساده و روان است.“ (عبدالله؛ ۱۹۶۷م: ۷۳)

شاعران و نویسندگان معروف که در عهد مزبور زندگی می کردند، درج ذیل هستند. قدسی مشهدی (د. ۱۰۵۶ق)، سلیم تهرانی (د. ۱۰۵۷ق)، کلیم کاشانی (د. ۱۰۶۱ق)، میر الهی همدانی کشمیری (د. ۱۰۶۳ق)، شاهزاده داراشکوه (د. ۱۰۶۹ق)، محمد شریف دکنی و غیره. محمد جان قدسی (د. ۱۰۵۶ق) درباره منطقه کشمیر شعر سروده بود که دو بیت از آن چنین است:

”ره فقر از ره کشمیر پیدا است  
که گام اول او ترك دنیا است  
ازین ره چون توان آسان گذشتن  
که گام اول است از جان گذشتن“

(ظهورالدین؛ ۱۹۷۳م: ۳۲۳/۲)

در عهد اورنگ زیب عالمگیر (حك: ۱۰۶۹-۱۱۱۸ق / ۱۶۵۸-۱۷۰۷م) ترویج و اشاعه ادبیات فارسی هم ادامه پیدا کرد، اما وی از سرپرستی شاعران دست برداشت. منصب ملك الشعرا را حذف کرد البته مساجد، باغها و ساختمان زیبا و بزرگ بنا کرد. پادشاه مذکور با دین اسلام علاقه شدیدی داشت و در علوم اسلامی متبحر بود.

”مانند پدرش شاهجهان وجد بزرگش اکبر شاه به ضبط وقایع افتخار آمیز عهد سلطنت خود علاقه داشته ولی بعدها تحولی در طرز فکرش ایجاد شده و از فکر نویساندن تاریخ رسمی عهد خود منصرف گشته است.“ (آفتاب اصغر؛ ۱۹۸۵م: ۴۱۰)

سخنوران معروف عهد مسطور بدین قرار اند:

پندت برهمن لاهوری (د. ۱۰۷۳ق)، ظفر خان احسن (د. ۱۰۷۳ق)، ملا غنی کشمیری (د. ۱۰۷۹ق)، صایب تبریزی (د. ۱۰۸۶ق)، محسن خان کشمیری (د. ۱۰۸۳ق)، غنیمت کنجاهی (د. ۱۱۰۷ق)، صادق کشمیری (د. ۱۱۰۰ق)، ناصر علی سرهندی (د. ۱۱۰۸ق)، علی اکبر کشمیری (د. ۱۱۳۱ق) و غیره.

همچنین عهد گذشته، کتابی مخصوص به تاریخ کشمیر در عهد مذکور نوشته شد البته فصلی در خلاصه التواریخ (تا: ۱۱۰۷ق) تألیف سحان رای بتالوی درباره کشمیر موجود است.

”ظفر خان احسن (د. ۱۰۷۳) در عهد اورنگ زیب عالمگیر یکی از ناظمین معروف کشمیر بود. وی غزل گوی معروف بود. در ستایش کشمیر مثنوی ”هفت منزل“ نوشت. چند بیت از وی درج ذیل است:

يك دسته گلست نگارم ز باغ حسن  
حسن آفرین به دست خود این دسته بسته است  
احسن ز روزگار کنی شکوه تا به کی  
آن را که نیست خاطرش، از غم فگار نیست“

(ریاض، شبلی؛ ۱۹۸۷م: ۲۰۳)

بعد از درگذشت اورنگ زیب عالمگیر، تیموریان متاخر از ۱۱۱۹الی خودشان، تیموریان متاخر، نظامت حکومت کشمیر به ناظمین و استانداران سپردند. اینان، متاع گران بهای خلق را به کردار زشتی خود به تصرف آوردند و تلف کردند و موجب خصمی و خلفشاری شدند.

بالآخره، رنجیت سینگ در ۱۲۳۴ق / ۱۸۱۹م بعد از جنگ خونین و شدیدی

در کشمیر روی کار آمد اما در سال ۱۸۴۵-۴۶ م سیک‌ها از انگلیسی‌ها شکست خوردند، به عوض خدماتِ مصلحت‌آمیز مہاراجا گلاب سینگ، انگلیسی‌ها، منطقهٔ جمون و کشمیر را در هفتاد و پنج لک روپیه به گلاب سینگ فروختند. انگلیسی‌ها، به جای فارسی، انگلیسی را زبان رسمی کشمیر و دیگر ولایت‌های که در تصرفشان بودند، قرار دادند. در سال ۱۹۴۶ م در عهد مہاراجا ہری سینگ که آخرین فرمانروا، پیش از تاسیس پاکستان بود، نہضتِ آزادی کشمیر آغاز گردید، مہاراجا مذکور از دست راہنمایان ہندو ناچار شد و بعد از تاسیس پاکستان به تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۴۷ م برخلافِ رضای بیشتر مردم جمون و کشمیر، منطقهٔ کشمیر را با ہند الحاق کرد. دولتِ ہند از اعلامِ راجا ہری سینگ سوء تمتع یافت و ارتش خود را به کشمیر فرستاد. این مسئلہ تا ہنوز حل نشده است. در آن موارد مسلمانان کشمیر نتوانستند کہ صدہای پُر جوش بر خلافِ بی انصافی بلند کنند. حمید کشمیری (د. ۱۲۶۴ق)، نیاز نقشبندی (د. ۱۲۴۴ق)، میرزا مہدی مجرم (د. ۱۲۵۳ق) و غیرہ از شاعران معروف عهد مذکور بودند. میرزا مہدی مجرم (د. ۱۲۵۳ق/۱۸۵۶ م). از شاعران بزرگ کشمیر بہ شمار می رود. علامہ اقبال شعر وی را بسیار ستودہ است. غیر از آن رسول شاہ کشمیری (د. ۱۳۲۲ق) در زمینۂ صرف و نحو و تفسیر قرآن و فقہ مہارت داشت. وی در قالب قصیدہ و غزل بہ زبان فارسی و کشمیری شعر می سرود.

بیربل کاجرو، کرپارام (۱۲۴۲-۱۲۴۵ق) و گلاب رام زنو طبع موزون داشتند و در توصیف کشمیر بیتها سرودند. عبدالرشید رامپوری در اثر منظوم خود بہ نام "گلشن کشمیر (۱۲۸۲ق)" در مدح مہاراجا رنبیر سینگ و در تعریف کشمیر سرود. چند بیت از مثنوی مذکور اینجا دادہ می شود:

"صد شکر کہ این گلشن مینو شمول  
گشت مفرح بہ نسیم قبول  
سبز خطش رشک گل ویاسمین  
نقش صنمخانۂ ارزنگ چین"

(رامپوری؛ ۱۸۶۵ م: ۳۰)

حسن شعری (د. ۱۲۹۸ق) از شاعران معروفِ کشمیر عهد مذکور بہ شمار می رود. وی در تقریباً تمام قالبهای سخن، شعر سرودہ است. چند بیت از غزل او اینجا می آورم:

"آن کہ او ناز وادا می بخشد  
کاشکی صبر بہ ما می بخشد  
میوہ حسن گر افتاد بلند  
عشق را دست رسا می بخشد"

(ظہور الدین؛ ۱۹۹۰ م: ۵/۳۰)

علامہ محمد اقبال (د. ۱۹۳۸ م) کشمیری النسل بود، نیاکانش از کشمیر بہ سیالکوٹ



(پنجاب) مهاجرت کردند، او به وسیله شعر خود، در مردم شبه قاره و کشمیر روح تازه ای دمید. "در ششم فوریه ۱۹۰۹ م، اقبال به عنوان سر دبیر انجمن مسلمانان کشمیری انتخاب شد." (خیال؛ ۱۹۹۹م: ۱۹۱)

"کشمیر بنا بر میهن بودن اسلاف، همیشه برای اقبال از اهمیت خاصی برخوردار بود. در سایه تیره دوران غلامی اهالی کشمیر، چشم عقابی وی در موجهای رود خانه جهلم، شکفتن بغاوت و انقلاب را دیده بود." (خیال؛ ۱۹۹۹م: ۱۸۸)

بسیاری از بیت‌های او به زبان اردو، درباره خطه کشمیر و برای بیلری مردم کشمیر سرود، آفتاب اصغر آنها را به زبان فارسی منظوم ترجمه نموده است، اثر منظوم آفتاب اصغر "گرمغان کشمیر" نام دارد. علامه اقبال به فارسی هم در توصیف کشمیر دو تا منظومه خود به نام "سقی نلمه" و "کشمیر" به سلك شعر خود آورد. به همین علت، پیرحسام الدین راشدی، مؤلف تكملة تذکره شعرای کشمیر، علامه اقبال را در صیف شاعران کشمیر هم شمرده است. بیت از "سقی نلمه" اینجا داده می شود:

"خوشا روزگاری ، خوشا نو بهاری  
نجوم پرن رُست از مرغزاری  
چه شیرین نوایی، چه دلکش صدایی  
که می آید از خلوت شاخساری  
تو گویی که یزدان بهشت برین را  
نهاد است در دامن کوهساری"

(اقبال؛ ۱۹۸۳م: ۱۱۵)

در عهد سیک ها وانگلیسی ها و دوگره ها (حك: ۱۲۳۴/ق/۱۸۱۹ م - ۱۳۶۶/ق/۱۹۴۷م) سخنوران ، نویسندگان ومؤرخان فارسی توجه بیشتری به تاریخ نویسی ، تذکره نویسی ، انشاپردازی وفرهنگ نویسی مبنول داشتند. در سال ۱۲۴۲ق ، محمد غیاث الدین رام پوری فرهنگ فارسی به نام "غیاث اللغات" تألیف کرد. غلام حسن شاه "تذکره شعرای کشمیر" نگاشت که در آن صد و هجده شاعر کشمیر را تذکر شده است وحاجی محی الدین مسکین "تذکره مشایخ" را به سلك نگارش آورد.

## کتابشناسی

### کتابهای فارسی:

- ☆ آفتاب، اصغر؛ ۱۹۸۵م، تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان ، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران ، لاهور ، پاکستان.
- ☆ ابراهیم، علی؛ ۱۹۸۱م، صحف ابراهیم ، کتابخانه خلورشناسی عمومی خلابخش، پته، هند.

- ☆- اعظم، محمد، ۱۹۹۲م، واقعات کشمیر، مطبع محمد، لاہور۔
- ☆- اقبال، محمد، ۱۹۸۳م، پیام مشرق، مطبع شیخ غلام علی، لاہور۔
- ☆- حسن، غلام، ۱۹۹۲م، تواریخ کشمیر، پایان نامہ بہ تصحیح امجد جاوید مرزا، کتابخانہ مرکزی دانشگاه پنجاب، لاہور۔
- ☆- خوشگو، بندرین داس، ۱۹۵۹م، سفینہ خوشگو، ج ۳، تذکرہ شعری فارسی، ادارہ تحقیقات عربی و فارسی، پتہ، بہار (ہند)۔
- ☆- رامپوری، عبدالرشید، ۱۲۸۲ق، گلشن کشمیر، نسخ خطی بہ شمارہ ۱۱۱۷، کتابخانہ مرکزی، دانشگاه پنجاب، لاہور۔
- ☆- رای، آفتاب، ۱۳۵۳ش، ریاض العارفین، بہ تصحیح ومقدمہ سید حسام الدین راشدی، بخش اول، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، راولپندی۔
- ☆- عرفی شیرازی، ۱۳۳۷ش، کلیات عرفی شیرازی، بہ کوشش جواہری، انتشارات کتابخانہ سنایی، تهران۔
- ☆- مسکین، محمد محی اللین، ۱۳۲۲ق، تحلیف الابرار، مطبع سورج پرکاش، امرتسر، ہند
- ☆- ہاشمی، محمودہ، ۱۹۹۶م، تحول نثر فارسی در شبہ قارہ، (دورہ تیموریان متاخر)، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد۔

### کتابھی اردو:

- ☆- تشہ، نذیر احمد، ۲۰۰۸م، اوراق جمون و کشمیر، الفیصل ناشران، اردو بازار، لاہور۔
- ☆- خیال، غلام نبی، ۱۹۹۹م، قبال لور تحریک آزادی کشمیر، قبال اکادمی پاکستان، لاہور۔
- ☆- ریاض، محمد؛ شبلی، صدیق، ۱۹۸۷م، فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ، چاپخانہ سنلگ میل، لاہور۔
- ☆- شاہپوریہ، تہاکر اچھر چند، ۱۹۷۹م، مترجم اردو، مکمل راج ترنگینی، ج ۱، چاپخانہ لایت اینڈ لایف، دہلی۔
- ☆- شبلی، نعمانی، ۱۳۲۵ق، شعر العجم، ج ۳، نیشنل بک فاؤنڈیشن، اسلام آباد، پاکستان۔
- ☆- ظہور الدین، احمد؛ ۱۹۶۴م، پاکستان میں فارسی ادب، ج ۱، چاپخانہ استقلال، لاہور۔
- ☆- ہمو، ۱۹۷۴م، پاکستان میں فارسی ادب کی تاریخ، ج ۲، مجلس ترقی ادب، لاہور۔
- ☆- ہمو؛ ۱۹۷۷م، پاکستان میں فارسی ادب، ج ۳، لٹریچر تحقیقات پاکستان، دلشگاہ پنجاب، لاہور۔
- ☆- ہمو، ۱۹۹۰م، پاکستان میں فارسی ادب، ج ۵، لٹریچر تحقیقات پاکستان، دلشگاہ پنجاب، لاہور۔
- ☆- عبداللہ، سید، ۱۹۶۷م، ادبیات فارسی میں ہندوؤں کا حصہ، مجلس ترقی ادب، لاہور۔

